



انتشارات دانشگاهی؛ دستاوردها و کاستیها

میزگرد بررسی وضعیت انتشارات دانشگاهی با حضور مسئولان مرکز نشر دانشگاهی، سازمان سمت و جهاد دانشگاهی

پرتال جامع علوم انسانی

اشاره:

«انتشارات دانشگاهی» فصل مفصل و شایان اعتنایی در فضای چاپ و انتشار هر جامعه‌ای است. در جوامع توسعه‌یافته اساسی‌ترین آثار مکتوب، از سوی دانشگاهها و مراکز آموزشی روانه بازار می‌شود. گستردگی و فراوانی این آثار بدان اندازه است که امروز اصلی‌ترین منابع پژوهش در هر موضوع و در هر یک از رشته‌ها، از سوی دانشگاههای معتبر دنیا روانه بازار کتاب می‌شود.

در ایران بعد از انقلاب اسلامی با توجه به بروز دگرگونیهای عمیق فرهنگی، انتشارات دانشگاهی در مسیر فراخ و نازای قرار گرفت که نتایج آن امروز به تناسب توان و تجربه موجود آشکار شده است. به غیر از دانشگاهها و مراکز آموزش عالی که هر یک به فراخور امکانات خود به انتشار کتاب پرداخته‌اند، مراکزی برای تأمین کتابهای دانشگاهی

تشکیل شده که مرکز نشر دانشگاهی، جهاد دانشگاهی و سازمان مطالعه و تدوین کتابهای علوم انسانی (سمت) از مهمترین آنهاست.

با توجه به اهمیت این بخش از انتشارات کشور، مناسب دانسیم که میرگردی را با حضور مسئولان این مراکز برگزار کنیم و دستاوردها و احیاناً مسائل و کاستیهای آنها را نمایانیم. آنچه در پی می آید متن استخراج شده این میزگرد است. بدینی است که دانشگاه انقلاب پدیرای آراء و دیدگاههای دیگر صاحب نظران به ویژه دانشگاهیان در این خصوص خواهد بود و در شمارهای آینده به انعکاس آنها خواهد پرداخت.

دانشگاه انقلاب: قبل از هر چیز از اینکه دعوت ما را اجابت فرمودید تشکر می‌کنیم. از آنجا که این سه مرکز یعنی «سمت»، مرکز نشر دانشگاهی و جهاد دانشگاهی تحت نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی هستند و مسئولان آنها نیز، عضو شورای عالی هستند، ممکن است بتوان وجه جامعی بین علل و انگیزه‌های تأسیس این سه مرکز پیدا کرد، این علل و انگیزه‌ها چه بوده است؟

دکتر پورجوادی: مرکز نشر دانشگاهی فرزند ستاد انقلاب فرهنگی و سپس شورای عالی انقلاب فرهنگی است که همزمان با جهاد دانشگاهی به وجود آمد. بعد از تشکیل ستاد به فرمان حضرت امام (ره)، حدود هشت هزار پرسشنامه تهیه و به دانشگاهها فرستاده شد. پس از دریافت پاسخنامه‌ها بود که مرکز نشر دانشگاهی ابتدا به عنوان ترجمه و تألیف (در داخل ستاد انقلاب فرهنگی)، و سپس جهت نشر آن آثار با عنوان مرکز نشر دانشگاهی تأسیس شد. علت دیگر تأسیس مرکز نشر این بود که در آن زمان تمام انتشارات دانشگاهی متوقف شده بود و لذا مسوولیت این امر مدتی به مرکز نشر دانشگاهی واگذار شد. تأسیس مرکز نشر مشتمل بر این فایده هم بود که از

اساتیدی که در جریان انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها، اوقات فراغتی یافته بودند، در جهت تألیف و ترجمه متون و مراجع درسی دانشگاهی، استفاده شود. البته با توجه به میزان همکاری اساتید در جهت تدوین و تهیه کتب و مراجع درسی، فعالیت انتشارات ما بیشتر در زمینه علوم تجربی و سپس مهندسی، پزشکی و در نهایت علوم انسانی است. از آن پس به مرحله‌ای رسیدیم که کتابهایی که قابلیت نشر داشت، تدوین و منتشر شده بود و می‌بایست خودمان به برآوردن نیازهای دانشگاهها اقدام کنیم. برای این کار لازم بود با مؤلفان و مترجمان قرارداد ببندیم و لذا تمهیدات لازم را از حیث تشکیلاتی فراهم آوردیم. تا اینکه مرکز به صورت فعلی درآمد. این مختصری بود از چگونگی به وجود آمدن مرکز نشر.

دانشگاه انقلاب: این در واقع تاریخچه به وجود آمدن مرکز نشر بود، حال بفرمایید که اهداف و انگیزه‌های تأسیس آن چه بود؟

دکتر پورجوادی: پیش از انقلاب، دانشگاههای ما نقایص متعددی داشتند که یکی از آنها کمبود کتاب بود. در آن هنگام کتابهای دانشگاهی غلظهای ترجمه‌ای یا تألیفی داشتند.



مطلوبی رسیده‌اند و در سراسر کشور پخش می‌شوند. فی‌المثل دانشجوی فیزیک دانشگاه شیراز می‌تواند از همان کتابی استفاده کند که دانشجوی فیزیک صنعتی شریف و این مسأله مهمی است. ما از آغاز هدفمان را مشخص کرده بودیم و قصد داشتیم بهترین کتاب را با استانداردهای خارجی تهیه و به سراسر کشور عرضه کنیم. یک هدف دیگر ما رسیدگی به تقاضای اساتید و پاسخ دادن به آن پرسشنامه‌ها بود که خوشبختانه تحقق یافت.

دکتر احمدی: بعد از تأسیس مرکز نشر در سال ۵۹، در سال ۶۳ در دوازدهمین جلسه

همچنین به دانشگاهی خاص محدود بودند. به عنوان مثال بیشتر کتابهای دانشگاه صنعتی شریف ترجمه نشده بود. کتاب خیلی کم بود و آن کتبی هم که در دانشگاه منتشر می‌شد، خارج از دانشگاه پخش نمی‌شد. مرکز نشر برای حل این نقایص به وجود آمد و در واقع صنعت نشر دانشگاهی بعد از انقلاب به وجود آمد. در حال حاضر ما در بعضی رشته‌ها مثلاً ریاضی به سطحی رسیده‌ایم که دانشجوی می‌تواند تمام دوره کارشناسی را طی کند بدون اینکه حتی به یک کتاب خارجی، احتیاج داشته باشد. از نظر کیفی هم کتابها به سطح

دانشگاهی» بود، عنوان «سمت» را از حروف اول سه کلمه نخست آن ساختیم. معانی خوبی هم دارد، که از جمله جهت، رونق، شأن و مقام است. این خلاصه‌ای از چگونگی و اهداف تأسیس سازمان سمت بود.

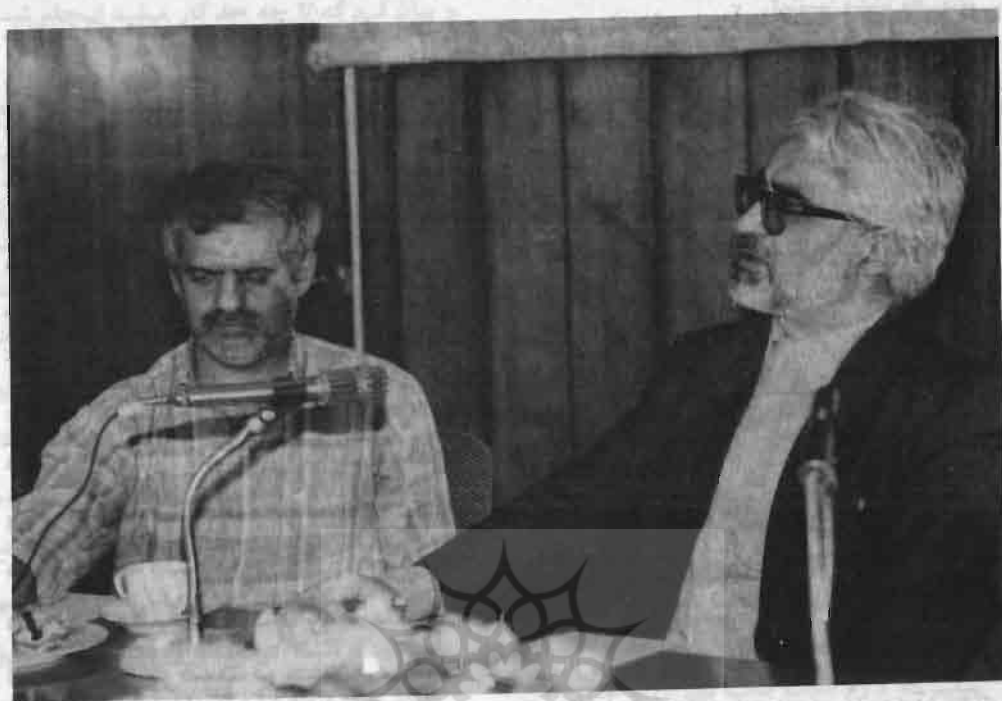
دانشگاه انقلاب: جهاد دانشگاهی از جهتی با مرکز نشر و سمت متمایز است و آن اینکه وظیفه دو مرکز تنها تدوین و نشر کتاب است، در حالی که جهاد وظایف متعددی دارد که یکی از آنها نشر کتاب است. از این رو ابتدا موقعیت واحد انتشارات را نسبت به کل جهاد دانشگاهی و سپس اهداف و انگیزه‌های تأسیس این واحد را تبیین بفرمایید:

مهندس رحمتی: همان طور که اشاره کردید، جهاد دانشگاهی صرفاً برای نشر کتاب به وجود نیامده است. پس از انقلاب فرهنگی در زمینه آموزش عالی در قسمتهای مختلف خلاءهایی به وجود آمد که لازم بود پُر شود. جهاد دانشگاهی ابتدا برای سروسامان دادن به مشکل مدیریت سیاسی دانشگاهها فعال بود. بعد از بازگشایی دانشگاهها به دلیل اینکه در دانشگاهها حضور داشت و کمبودها و مشکلات را احساس می‌کرد، در صدد رفع آنها برمی‌آمد که از آن جمله کمبود کتاب بود، اعم از متن فارسی یا انگلیسی. کار جهاد در این زمینه بیشتر به انگیزه تأمین نیازها و کمبودهای بود که در کوتاه‌مدت ضرورت داشت و اگر این کتابها به مراکز دیگری می‌رفت مدتی طول می‌کشید تا به دست دانشجویان برسد. این کار در آن زمان انجام گرفت.

شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد که لازم است مرکزی تأسیس شود که فعالیت عمده آن در زمینه علوم انسانی باشد، کارهای مبنایی بکند و با کمک دانشمندان حوزه‌های علمیه و دانشگاهها به تدوین کتب دانشگاهی در زمینه علوم انسانی پردازد. مسئولیت این کار به عهده بنده گذاشته شد. در تدوین اساسنامه سه هدف اصلی مورد نظر بود. اول آنکه ما با

دکتر پورجوادی: در حال حاضر ما در بعضی رشته‌ها مثلاً ریاضی به سطحی رسیده‌ایم که دانشجوی می‌تواند تمام دوره کارشناسی را بدون اینکه حتی به یک کتاب به زبان خارجی احتیاج داشته باشد، طی کند.

حوزه‌ها در ارتباط باشیم. و کارهایی مبنایی در زمینه علوم انسانی، به خصوص از جهت ارتباطی که با مسائل اسلامی دارند، انجام بدهیم. دوم، تدوین کتب درسی برای دانشگاهها. سوم، برقراری ارتباط با مراکز علمی در خارج از کشور بود. به این منظور که بینیم در زمینه علوم انسانی چه کارهایی انجام داده‌اند تا از آنها استفاده کنیم و نیز راههای عرضه آثار خودمان به آنها را پیدا نموده و به این مهم اقدام کنیم. ما هم به مناسبت اسم این مرکز که «سازمان مطالعه و تدوین کتب



پزشکی برای تهیه جزوات و مجلات و کتب خارجی مورد نیازشان با جهاد قرارداد بسته‌اند تا کارهایی انجام گیرد که نیازهای عقب‌افتاده دانشگاهها و نیاز روزافزون دانشجویان، با توجه به افزایش مداوم آنها، برآورده شود.

دانشگاه انقلاب: مرکز نشر دانشگاهی و همین‌طور «سمت» هر کدام یک سازمان مستقل نشر کتاب هستند ولی جهاد دانشگاهی دارای مراکز انتشاراتی متعدد است. راجع به تعداد این مراکز و سازمان و هماهنگی آنها توضیحی بفرمایید.

مهندس رحمتی: قبلاً جهاد دانشگاهی

البته شاید از کیفیتی عالی برخوردار نبود، اما با توجه به تعداد عناوین چاپ شده که افزون بر دو هزار عنوان است و تیراژ آنها توانست بخش مهمی از نیازهای دانشجویان را برآورد. این روند تا دو سال پیش ادامه یافت. از دو سال پیش به این طرف به کیفیت کار توجه بیشتری شد. در حال حاضر که با توجه به مشکلات ارزی کشور، واردات کتاب و مجلات محدود شده است، سوابق و تجربیات دانشگاهی می‌تواند کارساز و گره‌گشا باشد. به همین جهت هم وزارت فرهنگ و آموزش عالی و هم وزارت بهداشت، درمان و آموزش

صورت نخست، آیا شما از تجارب آنها استفاده کرده‌اید؟

دکتر پورجوادی: شاید در بعضی کشورها انتشارات متمرکز وجود داشته باشد. اما ما از هیچ الگویی پیروی نکرده‌ایم و با همان اهدافی که داشتیم سعی کردیم از همان امکانات موجود در کشور حداکثر استفاده را بکنیم.

دانشگاه انقلاب: گذشته از آنکه شما از الگوی آنها استفاده کرده باشید یا نه، آیا سازمانهای موفق هم در کشورهای خارجی هست که با انگیزه‌هایی نظیر انگیزه‌های شما تأسیس شده باشند؟

دکتر پورجوادی: دقیقاً نمی‌دانم. اما اگر سازمانی وجود داشته باشد که دوام پیدا کند، دوامش نشانه موفقیتش است. تا آنجا که می‌دانم کشورهای همسایه ما، یعنی کشورهای عربی، وقتی که تجربه ما را در مرکز نشر دانشگاهی دیدند، برایشان خیلی جالب بود. به خصوص یکی از استادان دانشگاه اردن به خاطر تألیف کتب دانشگاهی به زبان فارسی ما را خیلی تشویق کرد. زیرا کاری که ما کردیم باعث غنا و یکدستی زبان فارسی در زمینه‌های علمی شد. در مورد ریاضی، فیزیک و امثال آن تاکنون توانسته‌ایم واژه‌نامه‌های معتبری تهیه کنیم. اما کشورهای همسایه ما چنین تجربه‌ای نداشتند.

دانشگاه انقلاب: این مراکز تا چه حد توانسته‌اند به اهدافی که ابتدا منظور داشته‌اند، برسند و تا چه حد این اهداف به نحو کامل

دارای مراکز انتشاراتی متعدد بود ولی اخیراً برای اینکه این کار هم از لحاظ سازمانی شکل خاصی بیابد و هم از لحاظ حرفه‌ای تشخیص پیدا کند، آنها را به صورت دو مؤسسه درآوردیم. یکی مؤسسه «ماجد» است با سه سال سابقه و سوابق کار جهاد به این مؤسسه منتقل شد. این مؤسسه بیشتر در زمینه‌های غیرپزشکی کار می‌کند. مؤسسه دوم «نشر

دکتر احمدی: کتاب را باید اساتید رده اول دانشگاه بنویسند، لکن متأسفانه اساتید دانشگاه‌های ما به دلیل مشغله زیاد و مشکلات اقتصادی فرصت ترجمه و تألیف و تدوین کتاب را ندارند.

جهاد نام دارد که فعالیت آن در زمینه پزشکی و پیراپزشکی است. تاکنون حدود ۹۰٪ این طرح تحقق یافته ولی هنوز حدود ۱۰٪ جهادهای دانشگاهها فعالیت انتشاراتی مستقل دارند که آن هم عمدتاً به دلیل این است که در دانشگاه حضور دارند و با اساتید در ارتباطند. ثانیاً، مرکز پخش دارند چون در هر دانشگاهی یک کتابفروشی داریم. ثالثاً، متمرکز کردن امر انتشارات جلوی سرعت کار را می‌گیرد. این روالی است که جهاد تاکنون طی کرده است.

دانشگاه انقلاب: آیا چنین مراکزی در کشورهای خارجی هم نظیر دارند یا نه و در

برآورده نشده است؟

دکتر احمدی: هدف عمده ما این بود که برای هر درسی کتابهای پُر بار و دقیقی به زبان فارسی تدوین کنیم تا دیگر لزومی نداشته باشد دانشجویان جزوه‌های تنقیح نشده را زیراکس و کپی بکنند. برای رسیدن به این هدف هنوز خیلی فاصله داریم. کتابهای دانشگاهی باید مرتباً تجدیدنظر شوند. ما در «سمت» مرکزی برای ارزشیابی داریم، که این خود کار دشواری است. از طرفی وقتی کتاب جدیدی منتشر می‌شود کتاب قبلی کنار گذاشته می‌شود. مثلاً در سال ۶۴ کتاب «المنتخب» را با زحمت زیادی تهیه کردیم که برای آن زمان خوب بود. ولی دو سال بعد کتاب «المنهج القویم» را به جای آن گذاشتیم. حال شاید بعد از مدتی ببینیم که لازم است کتاب بهتری به جای آن بگذاریم. پس واقعاً کار خوبی شده اما به حد کمال مطلوب نرسیده‌ایم و این کار یک نسل است. کمال مطلوب ما این است که حتی نیازهای استاد را هم برآورده کنیم و برای هر درس چند کتاب داشته باشیم. ممکن است استادی یک کتاب را بپسندد و استاد دیگر کتابی دیگر را. پس با توجه به مشکلات زمان جنگ، گرانی کاغذ و امثال آن اگر مرکزی بتواند حدود هفتصد هزار جلد کتاب منتشر کند، قاعدتاً کار مهمی کرده است.

دانشگاه انقلاب: فرمودید که کارهای خوبی در «سمت» انجام شده اما به اهداف اصلی نرسیده‌اید. عبارت «کارهای خوب» تعبیری کیفی است، آیا می‌شود به نحو کمی

بیان کرد که تا چه حد کار مفید انجام شده است؟

دکتر احمدی: به لحاظ کیفی هم در سطح مطلوبی نیستیم. مثلاً در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی یکی دو جلد کتاب منتشر کرده‌ایم. این اولین قدمی است که دوستان برداشته‌اند، قدمهای بعدی باید کیفیت مطلوبتری داشته باشد. اما از نظر کمی می‌توان گفت که ما در

مهندس رحمتی: کسی نیست که مسئول ارزیابی وضعیت نشر باشد و بگوید ما چقدر از دنیا عقب هستیم؟ و همین‌طور کسی نیست که مسئول جبران این عقب‌ماندگیها باشد.

علوم انسانی حدود هزار عنوان کتاب خوب لازم داریم و «سمت» توانسته است که فقط هشتاد عنوان کتاب تهیه و منتشر کند. پس به لحاظ کمی حدوداً ۸٪ به هدفمان رسیده‌ایم. و از نظر کیفی هم رقمی کمتر از این. درست است که مثلاً در زمینه اقتصاد اسلامی قدمی برداشته شده است، پس هم در کارهای مبنایی و هم در کارهای غیر مبنایی از آن هدفی که منظور داشته‌ایم خیلی عقب هستیم.

دانشگاه انقلاب: عواملی در کار بوده که باعث کندگی کار شده است و جناب عالی به بعضی از آنها اشاره فرمودید، مثل کمبود

دلخواه است.

دانشگاه انقلاب: آقای پورجوادی شما بفرمایید.

دکتر پورجوادی: ما از جهاتی موفق بودیم. گفتیم می‌خواهیم به پرسشنامه‌ها رسیدگی کنیم که این کار صورت پذیرفت و همه آن کتابهایی که به ما عرضه شد و لزوم انتشار آن تصویب گردید، به نحو مطلوبی طبع و منتشر شد. اما از جهتی هم موفق نبودیم. ما از آغاز کار تصمیم گرفتیم که تا حدود ده سال دیگر، دو هزار عنوان کتاب منتشر کنیم، اما هنوز بعد از ۱۴ سال فقط توانسته‌ایم حدود ۸۰۰ عنوان کتاب (با احتساب مجله‌ها) منتشر کنیم. پس با آن چیزی که اعلام کرده‌ایم فاصله زیادی داریم. ولی درخصوص کیفیت کارهایی که انجام شده، دیگران باید قضاوت کنند. ما در بعضی از رشته‌ها مثل فیزیک یا شیمی موفق بوده‌ایم. در بعضی رشته‌ها توفیق کمتری داشته‌ایم. و در بعضی رشته‌ها موفقیت نداشته‌ایم. مثلاً در رشته دندانپزشکی حتی یک کتاب هم نداریم. به دلیل اینکه مؤلف و مترجم نداشته‌ایم. ناشر اگر همت کند ولی مؤلف و مترجم نباشد نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. دلایل عدم موفقیت ما نیز اوضاع و احوال کلی بود که در آن قرار داشتیم، مثل کمبود کاغذ، مشکلات ناشی از جنگ، عدم

کاغذ یا مشکلاتی که در نشر دارید، اگر ممکن است این عوامل را برشمارید تا آنگاه در خصوص راههای رفع آنها گفتگو کنیم.

دکتر احمدی: کتاب را باید اساتید زده اول دانشگاه بنویسند، چه کتابهای درسی و چه کتابهای مرجع. همه اطلاع دارند که اساتید دانشگاههای ما مشغله دارند که فرصت ترجمه و تألیف و تدوین کتاب را ندارند. فرض کنید در علوم انسانی پنجاه استاد زده اول داریم. این اساتید باید فارغ‌البال بنشینند و برای بقیه کتاب بنویسند، ولی سرگرم‌اند و فرصت ندارند. بعضی از اساتید هم به دلیل مشکلات اقتصادی مجبورند به کارهایی بپردازند که نتایج مادی آن را زودتر دریافت کنند. عامل دیگر مشکل ویرایش است. گاهی مدت زیادی طول می‌کشد تا کتابی ویرایش شود. خود ما هم که مسئولان امریم، گرفتاریهای زیادی داریم، که پرداختن به آنها هم لازم است. نیروهای متخصص و کارآمد هم به زحمت گیر می‌آیند که به عنوان معاون یا کارمند علمی به صورت تمام وقت از آنها استفاده شود. بازار بی‌ثبات کارمندی از دیگر عوامل کُندی کار است. یعنی حتی کارمندان رسمی این مراکز به دلایلی ترجیح می‌دهند که استعفا بدهند و به جاهایی بروند که منفعت بیشتری عایدشان می‌شود. اینها هم عوامل و موانع پیشرفت کار به نحو

کتاب منتشر می‌کند؟ علی‌القاعده باید قابلیت‌هایی باشد که سازمانی بتواند از آن قابلیت‌ها استفاده کند. اگر اساتیدی نباشند که مایل به تألیف یا ترجمه کتاب در زمینه علوم انسانی باشند، قاعدتاً باید «سمت» و یا هر جای دیگری هم نتواند در این رشته آثاری منتشر کند. از این گذشته، مگر اساتید رشته‌های علوم انسانی مطب دارند؟ آنها هم باید یا کتاب بنویسند و یا تدریس کنند.

دکتر احمدی: ما هم این مشکلات را در «سمت» داشته‌ایم. نوشتن کتاب در علوم انسانی به یک معنا دشوارتر است.

دکتر پورجوادی: یکی از اهداف تأسیس «سمت» این بوده است که از علمای حوزه استفاده کنند و کتابهایی را در زمینه علوم انسانی با دیدگاه‌های اسلامی بنویسند، این کار را هم کردند. این مسئولیت چیزی است که انجام دادن آن از عهده دانشگاهها خارج است.

دکتر احمدی: البته ما الان تولید کتب درسی را کاهش داده‌ایم. و بیشتر نیروهایمان را صرف کارهای کیفی، به خصوص در زمینه علوم انسانی اسلامی می‌کنیم، و هر وقت نیاز دانشگاهها به کتب درسی برآورده شود به کارهای تحقیقاتی و مبنایی بیشتر می‌پرازیم.

دانشگاه انقلاب: آقای مهندس شما هم

ثبات کارمندها، و نهایتاً یکی از عوامل عدم موفقیت‌مان هم خودمان هستیم. چرا که ما هم ضعفهایی داریم.

دانشگاه انقلاب: علت اینکه در علوم طبیعی و ریاضی موفق‌تر بوده‌اید چه بوده؟ آیا اساتید این رشته‌ها علاقه بیشتری به همکاری نشان داده‌اند یا شما در این زمینه‌ها نیاز شدیدتری احساس کرده‌اید؟

دکتر پورجوادی: ما از اول تأسیس مرکز نشر جلسات متعددی با اساتید رشته‌های گوناگون داشتیم و از آنها خواستیم که برای رشته‌های خودشان کتاب تألیف کنند. اما در بعضی رشته‌ها توفیق بیشتری یافتیم. چون اساتید آن رشته‌ها اشتغالات عملی نداشتند و صرفاً به کار علمی و نظری مشغول بودند. فی‌المثل استاد ریاضیات که مطب ندارد، یا باید کتاب بنویسد یا در دانشگاه تدریس کند. اما پزشکی یا دندانپزشکی مجبور نیست که کتاب بنویسد یا ترجمه کند. بنابراین موفقیت یا عدم

موفقیت در رشته‌ای خاص، تا حدود زیادی به میزان علاقه و همکاری اساتید آن رشته، بستگی دارد. بنابراین موفقیت در رشته‌های علوم طبیعی و ریاضی به خاطر گزینش ما نبوده.

دانشگاه انقلاب: اگر چنین بوده است، پس «سمت» چگونه در زمینه علوم انسانی

پاسختان را بفرمایید.

مهندس رحمتی: همان طور که گفتم هدف کار انتشارات جهاد، رفع نیاز دانشجویان بود، گرچه نتوانسته‌ایم این نیاز را کاملاً رفع کنیم، اما تا حد زیادی موفق بوده‌ایم به طوری که می‌توان ادعا کرد که در اکثر رشته‌ها هیچ دانشجویی نیست که حداقل یکی از کتابهای درسی‌اش در کتابهای انتشارات جهاد نباشد. ما تاکنون ۲۳۲۰ کتاب دانشگاهی منتشر کرده‌ایم و این تعداد البته قابل ملاحظه است. در مورد موانع و مشکلات نیز مسایل کلیی مطرح است که به تشکیلات مربوط می‌شود، که از آن جمله ناپایداری نیروها و حرفه‌ای نبودن آنهاست. یک سازمان بعد از بیست سال کار مشخص می‌شود که چند نیروی متخصص و حرفه‌ای دارد. سازمانهای جدیدالتأسیس، از لحاظ نیروی متخصص و حرفه‌ای، تشکیلات، و حتی قوانین و مقررات داخلی افت و خیزهایی دارند که نمی‌شود در کوتاه‌مدت ارزیابی دقیق و کاملی از آنها داشت خصوصاً سازمانهای انتشاراتی که بسیار پیچیده‌اند، زیرا از یک سو جنبه تجاری و سوددهی آن مطرح است و از سوی دیگر بُعد علمی و فرهنگی آن باید لحاظ شود. لذا انتشارات جهاد دانشگاهی هم مشکلات داخلی دارد و هم مشکلات خارجی، مشکلات داخلی از قبیل سازماندهی

و تشکیلات و نیز حرفه‌ای نبودن نیروها و امثال این. مشکلات و عوامل بیرونی هم در کُندی سرعت کار بی‌تأثیر نیستند. متأسفانه در این مسائل کسی نیست که مسئول باشد. شاید اگر در برخی رشته‌ها کتاب مناسب نباشد هیچ‌گاه ضرورت تهیه کتاب در آن زمینه احساس نشود. اگر کسی اقدام کرد، کرده است و اگر هیچ اقدامی هم صورت نگیرد کسی مورد مؤاخذه واقع نمی‌شود. و لذا هیچ تشویق و پیگیری از جای دیگر صورت نمی‌گیرد. شاید در آموزش و پرورش کمبود کتاب و کیفیت نامناسب کتاب خیلی زود بازتاب داشته باشد اما در دانشگاه این بازتاب به خاطر تحقیقی بودن کار کم است و لذا استقبالی از فعالیت بیشتر نمی‌شود. این وضعیت باعث شده که مشکلات یک سازمان هم به لحاظ امکانات و هم به لحاظ سازمانی، درونی تلقی شود و لذا اگر سازمانی توانست بر مشکلات خود پیروز شود که پیروز شده و گرنه باید همچنان با مشکلات خود دمساز باشد و هرگز چنین مشکلاتی، مشکل تلقی نمی‌شود. این امر موجب کم شدن انگیزه کار نیز خواهد شد. این مسائل انتشاراتی کل کشور است. نکته دیگری که ذکر آن لازم است، این است که متأسفانه در مورد کیفیت و پیشرفت کار این مسأله خیلی محسوستر است. کسی نیست که مسئول ارزیابی وضعیت نشر



باشد و بگویند ما چقدر از دنیا عقب هستیم. و همین طور کسی نیست که مسئول جبران این عقب ماندگیها باشد. آیا این مسأله جزو اهداف برنامه توسعه آمده است؟ آیا در برنامه توسعه دانشگاهی لحاظ شده است؟ کدام مصوبه مجلس، یا دولت و یا حتی شورای عالی انقلاب فرهنگی بر این نکته تأکید کرده است؟ چه زمانی این فاصله کم می شود؟ آیا با روند فعلی این فاصله در حال کاهش است یا پیوسته افزایش می یابد؟ این کار مهمی است که ابتدا باید صورت بگیرد و سپس اجرای آن به دستگاههای اجرایی سپرده شود و امکاناتی در

اختیار آنها نهاده شود و در قبال آن مسئول باشند.

دکتر پورجوادی: نکته آخر آقای مهندس رحمتی نکته بسیار مهمی است. ما وضع کتب درسی در آمریکا را باید بدانیم. حتی در اروپا کتابهای درسی شان را با کتابهای درسی در آمریکا مقایسه می کنند و از آنها الگو می گیرند؛ زیرا پیشرفت آمریکاییها در ۳۰ سال اخیر حیرت انگیز بوده است. ما در هر زمینه ای فقط چند کتاب داریم، اما آنها هزاران کتاب در هر زمینه دارند. کتاب یکی از عوامل بسیار مهم در پیشرفت علمی است. و ما از این

نمی‌توانیم کتابهای آماده چاپ یا تجدید چاپ را طبع و منتشر کنیم. خود این مسأله گاهی مشکلات سیاسی به وجود می‌آورد. فرض کنید دانشجویی که وارد سال تحصیلی می‌شود تا کی می‌تواند در انتظار چاپ و نشر کتابهای درسی‌اش روزشماری کند؟ گاهی چنان می‌شود که فی‌المثل از رئیس جمهوری تقاضایی می‌کنیم و ایشان به سازمان برنامه و بودجه حواله می‌دهد، آن موقع باید منتظر بمانیم که دل این میکایل شب قدر به رقت بیاید و پاسخ مثبت بدهد و تازه وقتی که پاسخ مثبت داد مدتها باید منتظر ماند که به وعده وصال وفا شود؛ و گاهی هم به آن وفا نمی‌شود، این برخورد موجب دلسردی می‌شود. اینها که تقدیر و تشکری نمی‌کنند لاقل می‌توانند توی ذوق آدم نزنند و مانع سر راه نگذارند، این برای ما بسیار ناگوار است. با این بی‌تفاتیها چه انگیزه‌ای برای آدمی باقی می‌ماند. خودجوش بودن هم حدی دارد. این توقع زیادی نیست که ما بگوییم باید به مشکلات این مراکز توجه و رسیدگی شود. در هیأت دولت لاقل یک نفر باید باشد که به این مسائل رسیدگی کند، دلجویی کند، و مشکلات اینها را به خوبی گزارش بدهد و برای حل آنها سعی و تلاش نماید. اگر چنین بشود آنگاه انگیزه شخصی برای انجام کارهای دقیق‌تر و عالی‌تر بیشتر می‌شود.

دکتر پورجوادی: برخی از مشکلات، مشکلات روزمره هستند که خیلی مهم نیستند. من حتی مشکلات مالی را هم جزو این دسته

جهت غافل بوده‌ایم. دولت در این مورد باید سرمایه‌گذاری کند. ما هم اگر تلاشی کرده‌ایم، به سبب انگیزه‌های شخصی خودمان بوده است. وگرنه از ما مسئولین نخواست و برای ما امکاناتی فراهم نکرده‌اند. باید فکر جدی‌تری بشود. ما اگر بخواهیم به این نحو جلو برویم، عقب‌افتادگیمان بیشتر می‌شود و فاصله ما زیادتر می‌شود. بی‌توجهی به این مسأله خطرات زیادی به همراه دارد. نه تنها کیفیت کار را پایین می‌آورد بلکه از نظر زبانی هم به ما لطمه می‌زند. اگر ما به زبان فارسی نتوانیم کتاب بنویسیم، در دانشگاه زبان انگلیسی جانشین زبان فارسی خواهد شد.

دانشگاه انقلاب: فرمودید که فکر دیگری باید کرد. لطفاً توضیحی درباره آن فکر دیگر بفرمایید. طرح پیشنهادی خود شما برای این معضل چیست؟

دکتر احمدی: من یک مقدمه‌ای می‌گویم و سپس آقای دکتر پورجوادی آن را تکمیل می‌کنند. کسی مثل بنده و دکتر پورجوادی که می‌توانیم تدریس کنیم، مع‌الوصف به این قبیل کارها می‌پردازیم، چرا باید در مسیر کاری که انجام می‌دهیم با مشکلات متعددی مواجه شویم که کاملاً اجتناب‌پذیر هستند. البته ما انتظار تشویق نداریم گرچه وظیفه مسئولان امر است که تشویق هم بکنند. اما اینها کوچکترین توجهی نمی‌کنند. به عنوان مثال، سال گذشته هر بند کاغذ ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان بود. ما که بودجه مشخصی داریم وقتی که قیمت کاغذ چهار - پنج برابر می‌شود، با آن بودجه

قرار می‌دهم. مرکز نشر به لحاظ مالی وابستگی ندارد و ما تاکنون کمکهای ناچیزی از دیگران گرفته‌ایم که اگر آنها هم نبود ما باز هم به راه خود ادامه می‌دادیم، البته با آهنگ کندتری. بنابراین مسأله مالی گرچه مهم است ولی تنها مشکل ما نیست. آنچه بسیار ضروری است این است که کارشناسان کتاب دانشگاهی ابتدا برنامه‌ریزی کنند و برای رسیدن به آن وضعیت مطلوب، برنامه‌های منظمی تدوین نمایند، آنگاه دولت، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بیایند آنها را پشتیبانی نمایند و مشکلات مالی آنها را کاملاً حل کنند. این مؤسسات هم لازم است سعی در اجرای کامل آن برنامه‌ها داشته باشند. اینها لازم است مترجمان و مؤلفان و نیز ویراستاران جدیدی تربیت کنند. حتی تزیین کتاب دانشگاهی هم مهم است. برای این کار باید شورایی، در وزارت آموزش عالی به وجود آید که ترجیحاً متشکل از کسانی باشد که در این زمینه سابقه دارند. این شورا باید اختیاراتی داشته باشد. فی‌المثل محدوده کار جهاد، سمت و مرکز نشر را مشخص کنند. باید برای این مراکز یک برنامه کلی و دائمی تدوین کنند. صنعت کتاب روزبه‌روز پیشرفت می‌کند ولی متأسفانه دانشگاههای ما همچنان عقب هستند. البته کاری که بعد از انقلاب شده در این شرایط معجزه آسا بوده است. من بارها گفته‌ام که مرکز نشر علاوه بر کارهایی که کرده، تجربه‌هایی هم دارد که از این تجربه‌ها باید استفاده شود. تا

بتوانیم لاف‌ و وضع کتاب را بهبود ببخشیم. مهندس رحمتی: راجع به این مورد خاص کسی که برای امکانات تصمیم می‌گیرد باید از کسی که اجرا می‌کند مجزا باشد. همین طور ارزیاب باید غیر از مجری باشد. طراح و برنامه‌ریز و ناظر نباید وارد اجرا بشوند. متأسفانه یکی از مشکلات ما همین است. دیگر اینکه ارزیابان کتاب باید تخصص داشته باشند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره همه کتابها می‌خواهد نظر بدهد. در حالی که کتابهای تخصصی - علمی را اصلاً نمی‌توانند بخوانند. یعنی برای این کار، کارشناس ندارند. در نتیجه فقط وقت خودشان و ناشران را می‌گیرند. به عنوان مثال یکی از واحدهای جهاد دانشگاهی کتابی چاپ کرد و مجوز آن را از وزارت ارشاد هم گرفت، ولی بعد خود ما اجازه نشر آن را ندادیم. مسأله بعد اینکه وزارت فرهنگ و آموزش عالی اگر بخواهد خودش انتشارات داشته باشد، نباید امکانات را هم خودش تقسیم کند. اینها مسائلی هستند که در همه‌جای دنیا مورد توجه جدی قرار می‌گیرند.

دانشگاه انقلاب: آیا وضعیت فعلی این مراکز پاسخگوی نیازهای دانشگاهیان هست یا نه؟ این مراکز در قیاس با مراکز نشر خصوصی چه درصدی از کتابهای موجود درسی و کمک‌درسی دانشگاهی را تولید کرده‌اند؟

دکتر پورجوادی: به طور کلی وضعیت فعلی کتاب دانشگاهی در قیاس با وضعیت

برخی از اهل نظر داشتیم، بعضی اظهار داشتند که ما تاکنون نتوانسته‌ایم تصویر کاملی از چهره فرهنگی - علمی دنیای خارج از کشور خودمان ترسیم کنیم و لذا هر قضاوتی هم که در خصوص آنها داشته باشیم مدلل نخواهد بود. گذشته از اینکه به لحاظ فکری و فرهنگی و علمی هم نمی‌توانیم از عناصر مفید آن فرهنگها بخوبی تغذیه کنیم. برای شناخت فرهنگ و تمدن سایر ملل لازم است متون معتبر و کلاسیک آنها به فارسی ترجمه شود. از طرفی این کار بسیار مشکلی است و به لحاظ اقتصادی مترجمانی که از طریق ترجمه ارتزاق می‌کنند، نمی‌توانند چند سال به ترجمه کتابی مشغول باشند که نهایتاً دو، سه هزار نسخه از آن منتشر خواهد شد و درآمدی برای او محسوب نخواهد شد. فرض کنید استاد توانایی بخواند «نقد عقل محض» کانت را به فارسی ترجمه کند، برای این کار چند سال لازم است به طور مداوم کار بکند، در این مدت مایحتاج مادی او چگونه تأمین می‌شود؟ لذا برای انجام این کار لازم است که دولت مرکزی تأسیس کند و بودجه‌هایی برای انجام چنین کارهایی تخصیص بدهد. به نظر می‌رسد که انجام این وظایف تا حدودی در عهده «سمت» و «مرکز نشر دانشگاهی» است. آیا شما چنین رسالتی را برعهده خود می‌دانید؟

دکتر احمدی: در حال حاضر این وظیفه با توجه به وضعیت مالی «سمت» از عهده آن بر نمی‌آید. البته اگر این کار را به عهده ما

مطلوب و ایده‌آل خرسند کننده نیست و فاصله زیادی تا رسیدن به وضعیت مطلوب در پیش داریم. اما البته همه رشته‌ها هم وضعیت یکسان و همانندی ندارند. فی‌المثل در ریاضیات و تا حدودی در فیزیک ما توانسته‌ایم آثار ارزشمندی ترجمه کنیم. به طوری که نیازهای دوره کارشناسی بخوبی برآورده می‌شود اما در سایر رشته‌ها مثلاً در روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و امثال اینها چنین وضعیتی نداریم. یکی از مشکلات ما در رشته‌های علوم انسانی مسأله ارزشهای فرهنگی است. در حالی که مثلاً در ریاضیات چنین مشکلاتی نداریم. در برخی از رشته‌ها نیز روزبه‌روز مطالب جدیدتر منتشر می‌شود به طوری که اگر فی‌المثل کتابی که دو سال پیش در آمریکا منتشر شده است، تا شما بخوانید آن را به فارسی ترجمه و منتشر کنید، دوسه سال طول می‌کشد و آن کتاب در این مدت دچار تغییرات کلی شده و یا شاید مطالب و نظریات جدیدتری مطرح شده باشد. به همین دلیل در بعضی از رشته‌ها مثل پزشکی به دلیل تغییر سریع کتابها و پیشرفت علوم نمی‌توانیم به پای آنها برسیم. وقتی کتابی را منتشر می‌کنیم، می‌بینیم دو کتاب تازه‌تر در خارج منتشر شده. این است که هر رشته‌ای وضع خاصی دارد و با بقیه فرق می‌کند. در مورد قسمت دوم سؤال شما باید بگویم که ما آمار دقیقی نداریم و لذا هر حدسی که بزنیم و درصدی اعلام کنیم، تخمینی غیردقیق است.

دانشگاه انقلاب: در گفتگویی که اخیراً با

و تأمین کتابهای دانشگاهی چگونه است؟ آیا منتظر می‌مانید که کتاب آماده شده‌ای برای شما بفرستند، یا کتابهای مورد نظر را جهت تألیف یا ترجمه سفارش می‌دهید؟ و نیز آیا به افراد خاصی که خود می‌شناسید سفارش می‌دهید و یا به نحوی اعلام عمومی صورت می‌گیرد؟ (البته در سطح گروه اساتید و نویسندگان دانشور در آن حوزه).

دکتر پورجوادی: اگر کتابی برای ما بیاورند آن را بررسی می‌کنیم، اگر خوب بود چاپ می‌کنیم و اگر خوب نبود چاپ نمی‌کنیم.

دانشگاه انقلاب: چقدر به خود نویسنده اهمیت می‌دهید مثلاً یک نویسنده جوان اگر برای شما کتابی بیاورد، کتابش را چاپ می‌کنید؟ و یا به شهرت نویسنده هم اهمیت می‌دهید؟

دکتر پورجوادی: ما اصلاً نگاه نمی‌کنیم که ببینیم نویسنده‌ای با سابقه است یا نه. کتاب یا ترجمه را نگاه می‌کنیم. بعد می‌دهیم به افرادی که می‌توانند اظهار نظر بکنند. بعضی از آن صاحب‌نظران در خود مرکز هستند و بعضی دیگر در دانشگاهها. از آن طرف هم فرض کنید دانشگاهها به فلان کتاب درسی احتیاج دارند و اساتید از ما می‌خواهند که آن را ترجمه کنیم. ما می‌گردیم و مترجمی پیدا می‌کنیم تا کتاب را ترجمه کند. البته مترجمان علاقه‌مند و با سابقه را برمی‌گزینیم. برای این کار دیگر اعلام نمی‌کنیم.

دکتر احمدی: در سازمان «سمت» کارها به این صورت است که سرفصلها را به گروههای

بگذارند، بنده خودم به این کار علاقه‌مندم. پیش از این یکی، دوبار در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم با آقای دکتر پورجوادی مطرح کردیم که لازم است مرکزی به وجود بیاید که کتابهای کلاسیک تمام زبانهای زنده دنیا را به فارسی ترجمه کند. نه تنها کتابهای فلسفی بلکه کتابهای ادبی، اقتصاد، جامعه‌شناسی هم باید ترجمه شوند. مثلاً ما از ماکس وبر، دورکیم و چند ترجمه مستند معتبر داریم؟ ممکن است این متون کلاسیک با مبانی تفکر ما هم ناسازگار باشند، اما اینها را نمی‌شود با فلان زمان مبتدل یکی دانست. اینها باید ترجمه و منتشر بشوند. و اگر مترجم دانشمند و متفکری هم بود پانوشتهای انتقادی و یا توضیحی بر آن بیفزاید و یا مقدمه مفصلی بر آن بنویسد و آن موارد را توضیح دهد. فرض کنید کسی کتاب نقادی عقل محض کانت را ترجمه می‌کند آنجا دیگر نمی‌شود، مرتب پاورقی نقادانه بنویسد، بلکه باید مقدمه مفصلی در اول آن بیاورد و اختلافات مبانی با او را توضیح دهد و مواضع خلل آن را آشکار سازد. خیلی از کتابها را باید از زبانهای اصلی شان ترجمه کرد. مثلاً مردم چین یا آمریکای لاتین آیا هیچ فکری ندارند که از آنها استفاده کنیم؟ آیا نباید کتابهای کلاسیک اینها را به زبان فارسی ترجمه کنیم؟ باید در این خصوص سرمایه‌گذاری قابل توجهی بشود. در حال حاضر این کار به عهده سمت نیست.

دانشگاه انقلاب: نحوه ارتباط و استفاده این مراکز از دانشمندان اهل قلم در باب تهیه

داشته باشد. حال اگر کسی پیدا شد که استادیار یا حتی مربی است، اما کتاب خوبی نوشته است ما آن را منتشر می‌کنیم. در حال حاضر استادیارها و حتی مربی‌های جوانی هستند که مشغول تألیف کتاب درسی برای ما هستند.

دانشگاه انقلاب: در خصوص حق‌التألیفی که شما به اساتید می‌دهید آیا آنها راضی هستند؟

دکتر پورجوادی: حتماً راضی هستند که با ما قرارداد می‌بندند. البته کتابها با هم فرق می‌کند. برای این کار قاعده مشخصی وجود ندارد. بستگی به نوع کتاب دارد.

دانشگاه انقلاب: از تشریف‌فرمایی شما سیاست‌گزاریم و مزید توفیق‌تان را از خدای بزرگ و مهربان مسألت داریم.

ذریب دانشگاهها اعلام می‌کنیم و می‌گوییم که ما این کتابها را می‌خواهیم تألیف کنیم هر کس نوشته‌ای آماده دارد، آن را عرضه کند و اگر کسی آمادگی انجام این کار را دارد، طرحی تدوین کند و احياناً فصلی از آن را آماده نماید و به ما ارائه کند تا از میان آنها انتخاب کنیم. در این کار به شهرت افراد هم نظر نمی‌کنیم.

دانشگاه انقلاب: فرمودید که مؤلفان کتابهای درسی باید اساتید درجه اول دانشگاه باشند، پس چگونه به شهرت افراد توجه نمی‌کنید؟

دکتر احمدی: این طبیعت کار است که معمولاً آدم تازه کار توان نگارش کتاب درسی را ندارد. کتاب درسی را معمولاً کسی باید بنویسد که تجربه زیادی در تدریس و تألیف

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز چاپ و انتشارات